



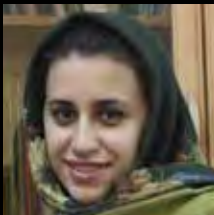
دو یکرده منظرین، داهکاری برای معماری آینده

مروری بر نظریات و رویکردهای مانوئل پالرم



امیر ردایی، کارشناس ارشد
معماری دانشگاه آزاد اسلامی
همدان.

aradaiee@yahoo.com



سارا ردایی، کارشناس ارشد
معماری منظر دانشگاه تهران.

sara_radaei@yahoo.com



تصویر ۸

Pic 8

مقدمه

◀ خوان مانوئل پالرم سالازار (تئریف اسپانیا، ۱۹۵۸)، دارای مدرک دکتری معماری، استاد پروژه‌های معماری در مدرسه معماری لاس پالماس (Las Palmas) در جزایر قناری، شش‌گوش به فعالیت در برنامه اروپایی ارasmus (Erasmus) و تمپوس فار (Phare Tem-pus)، همچنین مدرس مدعو دانشگاه‌های اسپانیا و جهان از جمله آلمان، لهستان، آرژانتین، ایالت کالیفرنیا، کاستاریکا و در حال حاضر مدرس معماری منظر لابراتوار معماری دانشگاه ونیز است. همچنین وی به عنوان مسئول فرهنگی برخی از مؤسسات معماری، برگزار کننده و مدیر نمایشگاه‌های بین‌المللی و همچنین عضو کمیته اجرایی UNISCAPE^۱ فعالیت دارد.

در سال ۱۹۸۶ با همکاری لئوپولدو تابارس (Leopoldo Tabares) شرکت معماری ناوا (Arquitectos Nava) را در سانتاکروز؛ بزرگترین شهر جزیره تئریف، تأسیس کرد. این شرکت از زمان تأسیس تاکنون، پروژه‌های معماری، منظر و برنامه‌ریزی منظر شهری زیادی را انجام داده که مهمترین آنها عبارت است از: پارک و مجموعه فرهنگی تئریف، کتابخانه ملی جزایر قناری، زونینگ شهری و محیطی تئریف، فرودگاه پالما، پروژه‌های توسعه شهری و مطالعات منظر اسپانیا و مرکز چندمنظوره دانشگاهی ایتالیا (تصویر ۱). جزایر قناری و ویژگی‌های طبیعی، توپوگرافیک بستر آن تأثیر ویژه‌ای در شکل‌گیری و پرورش ایده‌های منظرین پالرم داشته است. پالرم در سال‌های اخیر بر روی ارتباط معماری با ویژگی‌های خاص جزایر قناری تمرکز کرده است. این جزایر متشکل از هفت جزیره در اقیانوس اطلس هستند که بخشی از خاک اسپانیا به‌شمار می‌آیند. از میان هفت جزیره، جزیره تئریف و جزیره گرن کاناری بزرگتر از بقیه هستند. سال ۲۰۰۶ با همکاری پالرم همایش دوسالانه‌هایی با عنوان «هنر، معماری و منظر» در جزایر قناری برگزار شد. این دوسالانه رویدادها فرهنگی هستند که توسط بخش فرهنگ و ورزش دولت و مشارکت‌های عمومی ساماندهی می‌شود. پالرم علت انتخاب مکان دوسالانه‌ها در جزایر قناری را تنوع فرهنگی می‌داند. این جزایر، تمثالی از تنوع بشر و یا جهان صغیری هستند که فرهنگ‌های مختلف بشری در آن خلاصه شده‌اند. در این حوزه، مناظر مختلف به جای اینکه به استناد پیوند به ریشه مشترک در کنار هم باشند، حاصل فعالیت مردمانی با ترکیب فرهنگ‌های گوناگون بومی، اروپایی، آمریکایی و آفریقایی هستند که در عین ناهمگونی در جزیره قناری به یکدیگر پیوند خورده‌اند. دریا تنها عامل اشتراک و اتحاد آنها به‌شمار می‌رود. لازم به ذکر است تجربیات محلی در ارایه راه حل‌های جالب مدیریت فضاهای محدود در این جزایر می‌تواند در دیگر محیط‌های جغرافیایی نیز تکرار شود

(<http://www.bienaldecanarias.org/bienal3/18/index.php?F=noticias.php&l=1>).

از آنجایی که پالرم به دنبال پاسخ برای سؤالات مهمی پیرامون برخورد انسان با محیط و بهره‌برداری از آن است، مطالعه این جزایر او را به یافتن پاسخ‌های سؤالات خود می‌رساند. او با مطالعه بر روی این جزایر به دستاوردهای گوناگونی رسیده که آنها را در قالب نوشتار و پروژه‌های اجرایی ارایه کرده است. مهمترین نوشته‌های پالرم در زمینه منظر و معماری عبارت است از: پروژه منظر: انتقال سرزمین‌ها، لذت بردن از نگاه به نخستین گناه، پارک شهری در سانتاکروز، هنر و منظر در جزایر قناری، معماری همچون منظر: باغی در اقیانوس اطلس، معماری بدون سرزمین، به سوی منظر: در تعریف فضای معماری، بعد از سکوت: نظریه‌ای در خصوص بافت‌های معاصر.

پالرم و دوسالانه‌های جزایر قناری در باب منظر، انسان و رابطه دوسویه

همانطور که پیش‌تر اشاره شد به علت ویژگی‌های خاص جزایر قناری دوسالانه‌هایی در این جزایر برگزار می‌شود. پالرم از برگزارکنندگان اصلی و دبیر دوسالانه دوم و سوم بود. دوسالانه‌ها از یک سو به دنبال برانگیختن حس تأملی انتقادی در شهروندان به کانسبت‌های فرهنگی و تاریخی منظر و پیوند ناگسستنی آن با سرزمین بودند و از سوی دیگر، احیای روحیه تحلیلی و بازتاب همه بخش‌های فرهنگی در ساخت منظر و تجدید و به‌روز کردن آگاهی نسبت به محیط زیست و سرزمین را موضوع اصلی خود قرار داده بودند.

در اولین دوسالانه (۲۰۰۷) محیط زیست و ارتباط آن با انسان مطرح شد. نحوه برخورد حفاظتی ساکنین و بازدیدکنندگان از محیط زیست زیبا، متنوع و حیرت‌انگیز، جذب گروه‌های اجتماعی گوناگون، حفظ محیط زیست طبیعی، ارج نهادن به منظر شهری، افزایش گفتگو و ارتباط میان جزایر مختلف قناری برای درک بهتر نیازهای ساکنین و گردشگران، راه‌اندازی بحث و گفتگو با معماران بنام، طراحان شهری، معماران منظر، هنرمندان و جامعه‌شناسان و همچنین جذب نسل جوان از سازندگان و متخصصان از اهداف این دوسالانه بود (<http://www.bienaldecanarias.org/1bc/main.php?idioma=1>).

چکیده: معماران به معماری به عنوان شی و به منظر به عنوان زمینه می‌نگرد که صرفاً شی روی آن قرار می‌گیرد و کارکردی جز پس زمینه بودن ندارد و در فرایند ساخت و ساز جایی که معماری تمام می‌شود را شروع منظر می‌دانند. برخلاف اکثر هنرها که شاهد دور شدن از جسمیت هستیم، در معماری شی‌گرایی را می‌بینیم. امروز این نوع نگرش در حال تغییر است و توجه به ارجحیت فضا و مکان بر توده منجر شده است تا بسیاری از معماران به منظر و رویکرد منظرین روی آورند. منظر به ایده‌های مرتبط به فضا نظم می‌دهد.

در این میان مانوئل پالرم، معمار و نظریه‌پرداز است که در گستره فراتر از معماری ساختمان، با تأکید بر ساخت منظر، پیچیدگی‌های دنیای امروز را تعریف می‌کند. وی در بستر منظر برای معماری معنا قایل است و در منظر نه به دنبال کالبد، بلکه ارتباط آن با انسان است. پالرم تعریف جدیدی از فضا و مفهوم آن ارایه می‌کند و از آن به عنوان پیامد تحولات خاص یاد کرده که نیاز به ابزارهای ویژه تجزیه تحلیل و چارچوب‌های ادراکی جدید دارد و پارامترهای جدیدی را فراتر از پارامترهای اقلیدوسی و دکارتی برای فهم آن بیان می‌کند.

وی تجربیات متفاوتی در زمینه‌های معماری، برنامه‌ریزی شهری، منطقه‌ای و منظر داشته و بر موضوع ساخت منظر به عنوان سنتزی از اقدامات مجزای حفاظت و دگرگونی سرزمینی تمرکز کرده است. اکثر کارهای مطالعاتی و اجرایی او در جزایر قناری است. وی معتقد است پیچیدگی‌های اجتماعی، انسان‌شناختی، فرهنگی و طبیعی خاصی در این جزایر نهفته که فعالیت در آن را برای او جذاب می‌سازد. نتیجه تمرکز او بر چیزی که او "پدیده فرهنگی" این جزایر می‌داند، وی را به دستاوردهای متفاوتی قیاس با سایر نظریه‌پردازان رسانده است. سکوت و بعد از سکوت، عدم قطعیت، فضا، رابطه دوسویه انسان و طبیعت مهمترین رویکردها و دیدگاه‌های پالرم هستند که در این پژوهش به آنها پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: خوان مانوئل پالرم سالازار، جزایر قناری، سکوت، عدم قطعیت، درک منظر، ماتریس.

در این راستا تلاش شد به ساکنین و گردشگران، نمونه کارهایی با هدایت معماران، معماران منظر و هنرمندان در راستای مقدم ششمین کاربر، محیط زیست و نوآوری‌های متناسب با معیارهای آنها ارایه شود. در دومین دوسالانه (۲۰۰۹)، که به همکاری پالرم برگزار شد، "سکوت" به عنوان موضوع این دوسالانه و در سومین دوسالانه (۲۰۱۱) موضوع "به سوی واقعیت دیگر" انتخاب شد. این دوسالانه با نگاه میان رشته‌ای خود به رویکرد چند فرهنگی (transcultural)^۲ به بررسی مفهوم منظر در سرزمین پرداخت. در واقع این دوسالانه بستری برای بحث تکثر فرهنگی (pluricultural)^۳ ایجاد کرد. پالرم در این برنامه، سفر را راهی برای کشف واقعیت بیان می‌کند. وی معتقد است انسان در سفر چه در سیر و چه مقصد دائما در حال بازگفتگو با منظر است. سفر در میان راه‌ها و بیراهه‌ها، لایه‌های ساختاری منظر را می‌پاید، می‌شناسد و کشف می‌کند.

مروری بر دیدگاه‌های منظرین مانوئل پالرم

پالرم با تأکید بر مفهوم منظر تعریف جدیدی از ایده فضا و ارایه ابعاد فیزیکی و مفهومی جدید فضا به عنوان پیامد تحولات خاص می‌کند که نیاز به ابزارها تجزیه تحلیل‌ها و چارچوب‌های ادراکی جدید دارد. برخی از اندیشه‌های وی عبارت است از :



تصویر ۵

Pic 5

مفهوم منظر، جایگزین مفهوم فضا

منظر به عنوان یک فرآیند شناخته می‌شود که عامل زمان و مکان برای ادراک و بارور شدن آن ضروری است. پالرم با اشاره به اینکه شکل‌گیری اشکال منظر وابسته به تغییر در ادراک ماست، شناخت مفهوم منظر معاصر را در گروی تجدید نظر «ایده فضا» می‌داند که بتوانیم نسبت به این تعریف جدید خود را با زمان انطباق دهیم. او در تعریف خود از منظر می‌گوید: "منظر بیشتر اصطلاحی جغرافیایی است و واژه‌ای است که جایگزین اصطلاح مرده فضا (space) شده است. منظر رابطه جدید با فضا و جهان است" (Schir, 2010: 70). وی معتقد است برداشت یک زمین معادل فهم منظر آن نیست. برای فهم منظر، درک چندگانگی عواملی نیاز است که در منظر نقش بازی می‌کنند و این دشوار است. زمین به عنوان کالبد سرزمین تنها یک عامل برای تعامل و گفتگو با منظر است.

در دومین دوسالانه هنر، معماری و منظر جزایر قناری، پالرم از ماتریس برای توصیف منظر استفاده کرد. وی معتقد است هر مکان، ماده و پروژه به تنهایی معنایی ندارد، بلکه برای درک شدن می‌بایست بخشی از یک سیستم باشد. وی با ساخت یک ماتریس این سیستم را می‌سازد؛ سیستمی که همه چیز به این واسطه درک می‌شوند که جزئی از آن هستند. ماتریس این قابلیت را دارد که چگونگی تولید سیستم‌هایی با مقیاس زمانی متفاوت را شرح دهد. ماتریس با تعریف سیستم‌های خوانش منظر، تعریفی از منظر ارایه می‌دهد. پالرم علاوه بر در نظر گرفتن منظر به عنوان سیستمی از ارتباطات گوناگون، آن را سیستمی مستقل نیز در نظر می‌گیرد. در واقع در این سیستم، ارتباط نداشتن نیز در کنار ارتباط داشتن حائز اهمیت است. ماتریس به عنوان دیگرام، قادر به طبقه‌بندی موارد است و همچنین به عنوان تقویت کننده فرایند، پروژه را مدیریت می‌کند (تصاویر ۲-۵).

منظر تجربه‌ای منحصر به فرد

پالرم معتقد است منظر اختراع بشر نیست، اما در آن و در ارتباط با آن زندگی می‌کند و از

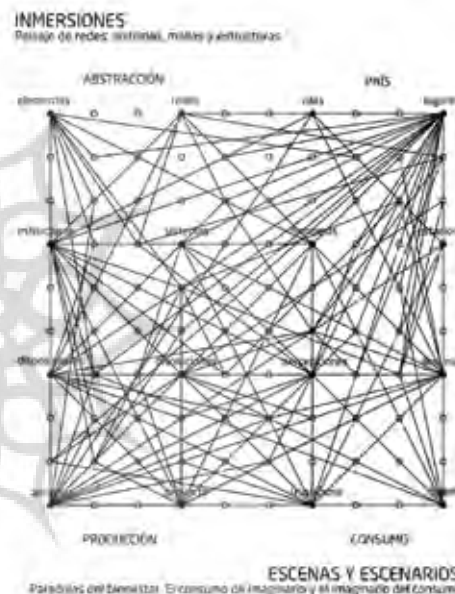


تصویر ۲

Pic 2

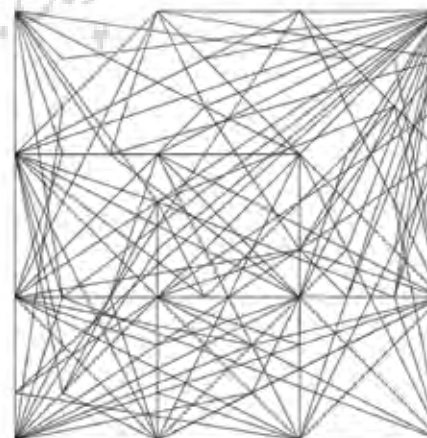
تصاویر ۲-۵: از ماتریس تا فرم. انتخاب و چیدن کلید واژه‌ها در ستون‌ها و ردیف‌های ماتریس و مشخص کردن ارتباط‌های بین این کلید واژه‌ها و در نهایت رسیدن به فرم‌های گوناگون. عکس: مانوئل پالرم، ۲۰۱۲.

Pics2-5: from the matrix to forms. Sorting and selecting key words in columns and rows matrix and determine the relationship between the key words and finally reach to the various forms. Photos by: Manuel Palerm, 2012.



تصویر ۳

Pic 3



تصویر ۴

Pic 4

پالرم تأکید می‌کند منظر، یک تجربه فردی است و بشر محیط پیرامون خود را از طریق برداشت شخصی درک می‌کند. تجربه انفرادی قلمرو فضا در کنار معانی و خاطرات هر فرد رخ می‌دهد و منظر موجبات تعامل بین انسان‌ها را در یک اجتماع انسانی فراهم می‌سازد. در چنین شرایطی انسان‌ها قادر به ارتقای شخصیت هستند.

آن رفیع نیازهایش را طلب می‌کند. منظر آن چیز است که او می‌خواهد. او در تعریف منظر معاصر آن را فضایی نمی‌بیند که ذهنیت و یا نوستالژی خاص دارد، بلکه با نگاهی ساده آن را همان چیزی می‌داند که هر روز در پیرامون خود می‌بینیم. از دیدگاه وی منظر یک تجربه فردی است. بشر محیط پیرامون خود را از طریق برداشت شخصی درک می‌کند. تجربه انفرادی قلمرو فضا در کنار معانی و خاطرات هر فرد رخ می‌دهد و در منظر موجبات تعامل بین انسان‌ها را در یک اجتماع انسانی فراهم می‌سازد. در چنین شرایطی انسان‌ها قادر به ارتقای شخصیت هستند. به عبارت دیگر او منظر را ابزاری می‌داند که می‌توان به وسیله آن فراتر از فردیت، در جستجوی یک توافق جمعی بود و همچنین ابزاری جهت رسیدن به اهداف خود در ایجاد فضاهای اجتماعی و فرهنگی می‌داند که هیچ قلمرو و محدودیتی را برای آن مشخص نمی‌کند. به وسیله این ابزار است که او قادر به احیای طبیعت در بستر محیط و هویت تاریخی شهر می‌شود و از آن در جهت ایجاد تعامل متوازن میان اجزای شهر و ارتقای کیفیت زندگی شهر بهره می‌برد.

پالرم با رویکرد منظرین به فضا و نفی نگاه شی‌گرا به معماری، در پروژه‌هایی چون طراحی خانه سزار مونریک (Cesar Manrique) در یک بستر آتشفشانی دست به طراحی می‌زند. وی در مداخلات مستمر خود به ترکیب بنا با معماری سنتی، احترام به میراث فرهنگی و طبیعی بسیار توجه قرار می‌دهد. پالرم به کمک پاتل‌های شیشه‌ای طبیعت را به درون کشیده است و با در ارتفاع قرار دادن باغ و تسلط آن بر بنا، منظر و معماری را تلفیق کرده و بر اهمیت بستر افزوده است (Mulazzani, 2010: 86). وی با ادغام بنا با بستر آتشفشانی و از طرفی توجه به سنت‌ها و فرهنگ و سلاقی صاحب بنا زمینه گفتگوی معماری، منظر و انسان را فراهم کرده و امروز این مکان را به یکی از پربازدیدکننده‌ترین مکان‌های جزایر قناری تبدیل کرده است (تصاویر ۶ و ۷).

سکوت، فرصتی برای درک تحولات سرزمین

در دوسالانه دوم جزایر قناری موضوع سکوت مطرح شد. از دیدگاه پالرم نقاط ثابت برای مکث به عنوان فضاهای سکوت راهی برای بهتر شنیدن صدای جهان محسوب می‌شود. سکوت، فرض اولیه برای ساختن یک مکث، ابزاری جهت درک تحولات سرزمین است که به وسیله آن گوش دادن به آنچه از بین رفته و نادیده گرفته شده مورد توجه قرار می‌گیرد. وی معتقد است سکوت فرصتی برای بهتر شنیدن و مرزی برای توسعه، رشد، تولید و مصرف است. سکوت آغاز سکون است که نادیده انگاشته‌ها در آن دیده می‌شوند. در فرصت سکون می‌توان به موسیقی منظر گوش فرا داد و هارمونی و تضادها را از طریق آن استنباط کرد (http://www.bienaldecanarias.org/en/silence_introduction). سکوت یک خوانش جدید است. واژه سکوت نه به معنی خاموشی بلکه فرصت شنیدن و تلاشی برای بهتر صحبت کردن و انتخاب درست چارچوب‌ها است که به ما اجازه گفت و شنود و بهتر ساختن را می‌دهد (<http://suw.biblos.pk.edu.pl/downloadResource&mlid=190149>). تغییر فرهنگ، منابع فنی و روابط با صورت‌های فیزیکی سرزمین به طور مداوم خود را با نیازهای مردم و منافع آنها سازگار می‌کند. به عبارت دیگر، فضا (space) که ساختار فیزیکی سکون برای نیازهای زیستی جهانی است، چیزی است که به عنوان نیاز اولیه برای گوش دادن به منظر مطرح است. وی در کتاب بعد از سکوت (After Silence) به دنبال سکوت و فرم‌های آن است.

زیبایی، حس درک مفهوم

زیبایی اصطلاحی ذهنی است که به وسیله محرک‌های بصری یا سایر حس‌ها دریافت می‌شود. بخشی از زیبایی با دریافت بصری و بخشی با دریافت ذهنی درک می‌شوند. زیبایی و معنا هر دو کنش‌های ذهنی هستند که نمود خارجی نمود پیدا می‌کنند. آنچه ما می‌بینیم بخشی از واقعیت است. این بخش وقتی قابل درک می‌شود که نسبتش با بخش‌های دیگر واقعیت تعریف شود. زیبایی نیز جزئی از واقعیت است که در واقع جزئی از واقعیت را توصیف می‌کند. فهم و درک حاصل از جستجو در همه بخش‌های یک حقیقت، برای فهم یک بخش آن ضروری است. در این روند باید به سایر بخش‌ها نیز توجه داشت تا فهمید چه چیز در حال تکرار شدن است. هارمونی و ریتم، اصول ضروری در تشخیص زیبایی هستند و ذهن قادر به درک میزانی از ریتم و هارمونی است. زیبایی، لذت ذهنی از درک مفهوم است که سبب می‌شود شیء، زیبا بنماید.

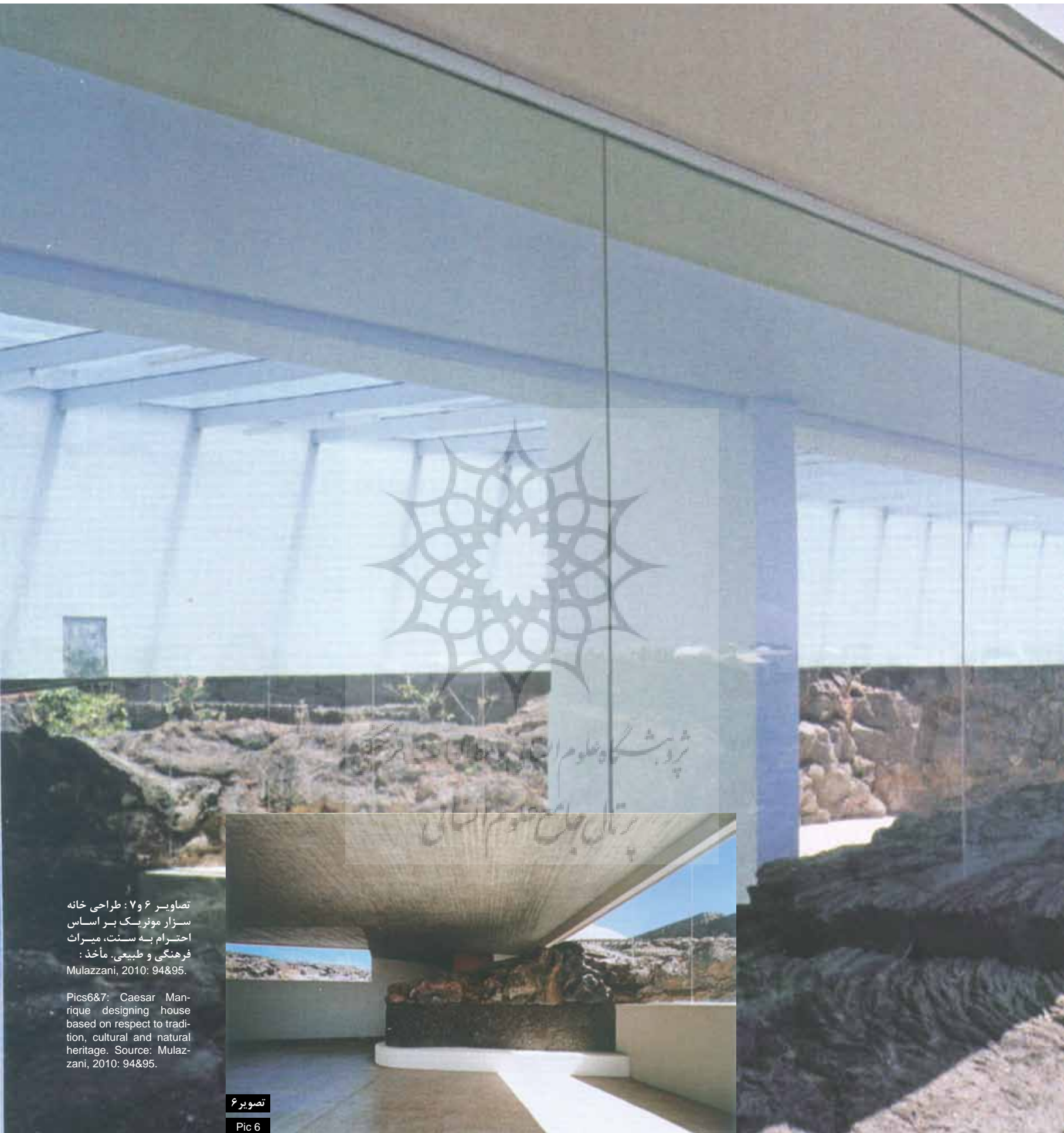
عدم قطعیت، واقعیت معاصر

اندیشه‌های پالرم درباره عدم قطعیت متأثر از دو کتاب است؛ اولی "طغیان فرم‌ها"



تصویر ۷

Pic 7



تصاویر ۶ و ۷: طراحی خانه
سزار منریک بر اساس
احترام به سنت، میراث
فرهنگی و طبیعی. مأخذ:
Mulazzani, 2010: 94&95.

Pics6&7: Caesar Manrique designing house based on respect to tradition, cultural and natural heritage. Source: Mulazzani, 2010: 94&95.

تصویر ۶

Pic 6

(The Rebellion of The Form) نوشته جرج واگنبرگ (Jorge Wagensberg) است که در سال ۱۹۸۵ وی را تسخیر ایده‌هایش درباره پیچیدگی‌های جهان کرد و دومین کتاب سرزمین مسطح، افسانه‌ای در همه ابعاد (Flatland a romance in many dimensions) نوشته ادوین ابوت (Edwin a. abbot) رمانی است که با زبان ساده به گفتگوی بین یک مربع از سرزمین مسطح و یک کره از سرزمین فضا و وحشت اولین مواجهه مربع با فضای سه بعدی و عدم درک این فضا توسط او، به تفسیر واقعیت و نسبی بودن آن می‌پردازد. وی معتقد است پیچیدگی منظر واقعیتی چند وجهی است که ما به کمک آن واقعیت معاصر را تفسیر می‌کنیم. همانطور که در ادبیات از "دور دنیا در ۸۰ روز" ژول ورن به "۸۰ کشور در یک روز" جولینو کورتازاز رسیدیم، در منظر نیز می‌بایست جهت ایجاد پارادایم‌های جدید در هم‌صدایی با دوران متشنج معاصر فراتر از پارامترهای اقلیدوسی و دکارتی برویم http://suw.biblos.pk.edu.pl/resources/i2/i8/i5/r285/PalermSalazarJ_Pro-jectAnd.pdf.

دگرگونی مناظر، پدیده‌های فرهنگی

منظر فرهنگی حاصل نگاهی دیگرگونه به زیست‌همیشگی نسل بشر در بستر طبیعت است که در منظومه خود مفاهیمی چون منظر تاریخی و حتی منظر طبیعی را به چرخش در می‌آورد (عشرتی، ۱۳۸۸: ۲۴). از آنجایی که بهره‌برداری‌های بی‌منطق از منابع در طول سالیان، منجر به تنزل چهره منظر سرزمین آنها شده و توسعه آینده آن را تهدید می‌کند لذا حفظ منظر سرزمین‌ها امروز به یکی از مسایل مهم تبدیل شده که نیاز به چاره‌جویی دارد. از نظر پالرم هر چند بشر، عامل دگرگونی مناظر است و از زمین بهره‌برداری می‌کند، اما بهره‌برداری از زمین با حفاظت و بهبود محیط زیست و ارزش‌گذاری بر آن در تقابل نیست. ایده‌های خلاقانه حاصل از مطالعه، وظایف در قبال پدیده دگرگونی منظر، جنبه‌های بصری طبیعت و رفتار با طبیعت پیرامون را تعریف می‌کند و شهرها با عناصر سازنده آنها را در بهترین مسیر سامان می‌دهد.

اگر سرزمین را محیط فیزیکی بدانیم؛ منظر، چارچوب فرهنگی و مفهومی است. آنچه از مناظر معدنی می‌بینیم محصول فرایند فرهنگی هستند. وی شکل امروز این مناظر را "پدیده فرهنگی" می‌داند. فرهنگ منحصراً به مجموعه‌ای از مظاهر هنری مثل نقاشی، عکاسی و یا ادبیات بر نمی‌گردد که در آن منظر به نمایش گذاشته شده است، بلکه هرگونه مداخله بشر است که در یک مسیر به صورت مکرر و منظم، با اقداماتی نظیر کشاورزی، معدن‌کاری، تولیدات صنعتی، توسعه زیرساخت‌ها، شهرنشینی و یا صنعت گردشگری، به سرزمین شکل دهد و تصویری از ویژگی‌های آن را به دست دهد (Schir, 2010: 73). او دید فرهنگی به سرزمین و به‌خصوص مناظر به ظاهر ویران معدنی را مهم می‌داند و معتقد است به جای ساخت جاده‌ها، که به نظرمان به منظور زندگی بهتر ساخته می‌شوند، کمی درنگ کنیم و با نگاهی به طبیعتی که آن را دگرگون می‌کنیم، دنبال راهکارهای بهتری باشیم. در هر عصر و سرزمینی، فرم‌های مشخصی از رابطه بین انسان و سرزمین تجلی یافته است که اجازه درک جهان را می‌دهد. فعالیت‌های بشر این فرم‌ها را به مثابه نشانه در سرزمین باقی گذاشته‌اند.

پالرم معتقد است امروز می‌بایست به جای معدن‌کاری و حفاری، با تأکید بر انطباق با واقعیت‌های موجود، چهره فجیع حاصل از خاکبرداری این مناظر، اصلاح و تبدیل به فضاهای جدید با قابلیت برپایی فرهنگ جدید روی این مناظر شود. در این راستا و مهمترین وظیفه خود را استفاده از توانایی این مناظر و حفظ نشانه‌های آنها (از جمله سنگ آذرین موجود در سایت را نشانی از فعالیت‌های معدنی می‌شناسد) در مداخلات معمارانه می‌داند (تصویر ۸).

کشش به موضوع (Desire of matter)، تمایل به ایجاد شرایط انسانی

پالرم در دنیای امروز علاوه بر تعریف مفاهیم نو، همگام با عصر جدید به دنبال گمشده‌های معماری نیز هست. وی معتقد است بسیاری از افراد در همه حوزه‌ها به‌خصوص معماری و منظر، تمایلی به موضوع کار خود ندارند و فقط به مفاهیمی چون پایداری، صرفه اقتصادی، مصرف و تولید می‌اندیشند. در حالی که این حلقه گمشده آنقدر اهمیت دارد که می‌تواند نتیجه یک پروژه را بسیار تغییر دهد. در زندگی روزمره همواره شاهد این کشش انسانی هستیم. مثلاً در بازاستفاده از یک شیء، تمایل به بازگرداندن آن به زندگی انسان به علت کششی خاص به نوعی ویژگی شیء و یا خود شیء وجود دارد (Ibid: 75). این کشش با قیمت و ارزش مادی کاری ندارد. یک سنگ آذرین، به خودی خود فقط یک سنگ است اما وقتی گزینش می‌شود دیگر سنگ بودن آن موضوع اصلی نیست، بلکه فرایندی مطرح می‌شود که در جریان تعریف چستی زیبایی در آن، سنگ می‌تواند به شیء مقدس تبدیل

شود در حالی که برای سنگ به خودی خود این امکان وجود ندارد. اشتیاق به موضوع، با چیزی در ارتباط است که در وجود انسان است. بدون وجود این تمایل، مطالعه در مورد موضوع بی‌فایده است.

«میکل آنز» کششی برای تبدیل موضوع ذهنی خود به مجسمه و ساخت آن از جنس سنگ مرمر داشت. با وجود این فعالیت‌های خودآگاه یا ناخودآگاه روزمره، کمبود این فرایند در پروژه‌های اجرایی منظر به شدت حس می‌شود. در شرایط امروز منظر نیاز به فرایندی دارد که صریحاً کشش به ایجاد شرایط انسانی را داشته باشد.

جمع‌بندی

پالرم در آشفته‌گی دنیای معاصر به دنبال سکوتی برای شنیدن جهان و درک تحولات سرزمین است. وی نگاه جدیدی به منظر ارایه می‌دهد که رویکردی برای مشاهده پیرامون است. او چه در معماری و چه در منظر در جستجوی چیزی است که با دنیای امروز گفتگو کند. پیچیدگی منظر را واقعیتی چند وجهی می‌داند که ما بسته به موقعیت خود از آن، بخشی از واقعیت آن را درک می‌کنیم. او با دقت بر دگرگونی‌های سرزمین و دنیای صغیر مورد مطالعه خود؛ جزایر قناری، در جستجوی اثر فرهنگی؛ به عنوان ویژگی خاص آن سرزمین می‌گردد و به دنبال پاسخی قاطع به توانایی یک سرزمین است. وی زیبایی منظر را در دو عرصه ذهنی و عینی تعریف می‌کند. زیبایی ذهنی را وابسته به تفسیر مخاطب از منظر سرزمین و ارتباط با ذهنیت او و زیبایی عینی را از جمله وابسته به هارمونی و ریتم در صورت منظر می‌داند. او در حال جستجوی انواع ارتباط بین منظر با انسان و عوامل مؤثر در شکل‌گیری منظر و ارتباط آنهاست که نگاهی نوین را به دنیای حرفه‌ای منظر ارایه خواهد کرد ■

پی‌نوشت

۱. شبکه دانشگاه‌های منظر اروپا برای اجرای کنوانسیون منظر اروپا.
۲. چندفرهنگی به ترکیب و تجمیع عناصر چند فرهنگ اشاره دارد.
۳. تکثر فرهنگی رویکردی است که به عمل و عکس‌العمل و پیچیدگی موجودات درگیر چند هویتی برمی‌گردد. در این حالت هویت یا هویت‌ها، محصول تجربه فرهنگ‌های گوناگونند. در تکثر فرهنگی، هویت‌های متعدد، شخصیت منحصر به فردی را به جای هویتی ساکن می‌سازد.

منابع

- عشرتی، پرستو، (آذر ۱۳۸۸). منظر فرهنگی، مجله منظر (۲۱): ۲۸-۲۴.





landscape approach. a solution for future architecture

A review on Manuel Palerm's landscape theories and approaches

Amir Radaei, M.A. in architecture, Islamic Azad University of Hamedan. aradaaie@yahoo.com

Sara Radaei, M.A. in landscape architecture, University of Tehran. sara_radaei@yahoo.com

Abstract: Juan Manuel Palerm Salazar is an architect and theorist who describes architecture beyond the constructional aspects and emphasizes on the landscape in the new complex world. He presents a new definition of space and also conceptual and physical dimensions and refers to it as a consequence of specific changes in the modern world which requires analysis tools and new conceptual frameworks. Alike his colleagues, He believes in new parameters beyond Euclidian and Cartesian ones and presents some cases.

He has showcased his professional experience in different fields of architecture, urban planning and regional planning and has focused on landscape as a synthesis of separate measures, land conservation and land development. Since 1986 he has developed architecture, city planning and landscape projects in the Canary Islands and internationally in other countries. He declares that the social complexity of cultural and natural anthropology which is hidden in these islands encourages him to work and showcase his ideas in this region. Since 2006, cultural events such as biennials have been held by Palerm's contribution. His focus on "cultural events" in these islands has resulted in different achievements from other theorists. The consequences of his studies are a simple look to landscape and how it can be defined as the environment which surrounds us as well as a focus on culture. He seeks for missing bonds in architecture while declaring his new theories.

The world is an increasingly noisy place, of growing contrasts, where it is more and more difficult for man to relate to nature.

He seeks for silence to hear the world and perceive land developments in the chaos of modern world. He defines landscape as our surrounding environment and tries to relate his landscape and architectural projects to the modern world. He describes the complexity of landscape as a multifaceted reality that one can only conceive an aspect of it depending on his position. He does not try to accept or reject previous landscape theories and congregates them to a new definition of landscape which is our surrounding environment. He believes that beauty lies in understanding the concept of mind enjoyment as well as experiencing it. That is the reason of including harmony and rhythm in the category of effective ideas in landscape design. Instead of discussing the definition and quiddity of landscape which is not commented or discussed anymore in the modern world, he looks for tracks of culture on the Canary Islands to answer land developments and its potentials. Palerm seeks for the quiddity of landscape beyond the human relations, effective relations in landscape creation and the relationship of landscape and the surrounding environment.

This research tries to introduce Palerm, his professional career and experience and his theories and researches in this field. His approaches in perception of landscape, silence,

culture and cultural events and the correlation of human and landscape, aesthetic quiddity and finally the consequence of approaches and theories are discussed as well.

Keywords: Juan Manuel Palerm Salazar, Canary Islands, Silence, Uncertainty, Landscape perception, Matrix.

Reference list

- César Manrique Foundation Residency Workshop, available from: <http://www.paltab.com/WebPaltab-V1/Proyectos.aspx?lang=ES> n (accessed 12 April 2012).
- Eshrati, P. (2009). *Cultural landscape*, *Journal of Manzar*, 1(2): 24-28.
- *Introduce of 1st Architecture, Art and Landscape Biennial of the canaries*. Available from: <http://www.bienaldecanarias.org/1bc/main.php?idioma=1> (accessed 7 April 2012)
- Mulazzani, M. (2010). *Palerm & Tabares de Nava (Architettura E Paesaggio Costruito)*. Milano: Electaarchitettura.
- *On silence in the Landscape*, Available from: <http://suw.biblos.pk.edu.pl/downloadResource&mId=190149> (accessed 9 April 2012).
- *Project and asthetic sense*. Available from: http://suw.biblos.pk.edu.pl/resources/i2/i8/i5/r285/Palerm-SalazarJ_ProjectAnd.pdf
- Schir, E. (2010). *Extraction landscapes, from the active quarry to the disused sites: methodological approaches and future scenarios of the porphyry territory in Trentino*. Phd thesis presented at university of Trentino: Doctoral school in environmental engineering: Trento, Italy.
- *Silence*. Available from: http://www.bienaldecanarias.org/en/silence_introduction (accessed 7 April 2012).
- *Towards another Reality*. Available from: <http://www.bienaldecanarias.org/bienal3/18/index.php?l=1> (accessed 18 April 2012).

تصویر ۱: پالرم و تابارس در شرکت Nava، مأخذ: شرکت Nava.

Pic1: Palerm & Tabares in Nava, Source: Arquitectos Nava.

